

افغانستان (ردیف ۲)

دولت افغانستان حداقل معیارهای حذف قاچاق را به طور کامل بجا نیاورده است، با آنهم برای این امر تلاش های قابل ملاحظه به خرج می دهد. دولت در مقایسه با زمان گزارشهای قبلی، تلاش های زیادی را تبارز داده است، و بنابر همین امر افغانستان به ردیف ۲ صعود داده شد. در جنوری ۲۰۱۷ دولت با انفاذ قانون جدید قاچاق انسانی که تلاش می نماید از تلفیق قاچاق و ترافیک کاهش بعمل آورد، بچه بازی را جرم می سازد، روشی که مردان برای خوشگذرانی اجتماعی و جنسی از بچه ها استفاده می کنند، دولت افزونی تلاش هایش را تبارز داد. دولت قاچاقبران را مورد تحقیق، پیگرد و محکومیت قرار داد، به شمول بازداشت و مجازات مقام های که در بچه بازی دست داشتند. حکومت با استفاده از بودجه و کارمندی که از سوی یک سازمان بین المللی فراهم شده بود، یک سرپناه موقت را برای قربانیان قاچاق در کابل گشود. دولت همچنان ۱۵ مرکز حمایت از اطفال را گشود که در سال ۲۰۱۶ جلو استخدام بیشتر ۳۰۰ طفل در صفوف نیروهای امنیتی را گرفت. با وصف اینها، دولت در چندین مورد کلیدی حداقل معیارها را بجا نیاورد. دست داشتن مقامات به ویژه در عرصه بهره کشی جنسی و استخدام اطفال در صفوف نیروهای امنیتی، یک معضل جدی باقی ماند. تلاش های حمایت از قربانیان ناکافی باقی ماند؛ به استثنای یک مرکز دولتی برای قربانیان قاچاق، تمامی مراکز دیگر در جریان زمان گزارشدهی به روی قربانیان مسدود ماند. دولت برای تثبیت هویت قربانیان یا رجوع آنها به خدمات احیای مجدد، طرزالعمل های اجرایی را انکشاف نداد و اجرا نکرد، که این امر بعضی اوقات منجر به آن گردید که، قربانیان قاچاق به صفت جنایتکاران توقیف و مورد پیگرد قرار گیرند.

سفارشات برای افغانستان

استخدام و استفاده اطفال از سوی نیروهای امنیتی افغانستان را توقف دهید، و حمایت کافی برای حفاظت و ادغام مجدد اطفال خلع سلاح شده فراهم کنید؛ از قانون قاچاق ۲۰۱۷ برای تحقیق و پیگرد متهمین قاچاق کار گیرید، به شمول اعضای تنفیذ قانون که ظن داشتند در قاچاق بر آنها می رود؛ خلاف ورزان را محکوم کرده و سزای مناسبی به آنان تعیین کنید، البته به طی مراحل قانونی باید احترام گذاشته شود؛ قربانیانی که در نتیجه مستقیم قربانی شدن قاچاق، خلاف ورزی ای را مرتکب شده باشند، سزا دادن به آنان را توقف دهید، به شمول توقف پیگرد جرایم اخلاقی و فرستادن اطفال که قربانی قاچاق شده اند به مراکز دارالتادیب؛ برای تثبیت هویت قربانیان و فرستادن آنها به خدمات احیای مجدد و آموزش مقام های برای استفاده از آنها، طرزالعمل اجرایی معیاری را انکشاف دهید؛ بخش مبارزه با قاچاق/ترافیک در وزارت امور داخله را تقویت بخشد، به شمول افزایش شمار کارمندان در هر منطقه و اطمینان یابی از درک آنها که قاچاق را از ترافیک تفکیک کرده می توانند؛ ادامه ارتقای ظرفیت کمیسیون عالی مبارزه با جرایم اختطاف و قاچاق انسان تا تلاش های حکومت در مبارزه با قاچاق را هماهنگ نموده و گزارش دهد و از انفاذ پلان ملی مبارزه با قاچاق نظارت ورزد، تا حدی که اوضاع امنیتی دسترسی را به مناطق روستایی فراهم بکند، آموزشدهی مقام ها در سطح ملی، ولایت و محل در تعریف قاچاق انسان و تثبیت هویت، حفاظت و راهکارهای انفاذ قانون را ادامه دهید؛ تلاش ها برای جمع آوری، تحلیل و گزارش دهی دقیق آمار مبارزه بر ضد قاچاق را تسریع بخشید؛ منابع را برای حمایت از برنامه های درازمدت احیای مجدد قربانیان به کار بیاندازید؛ آموزشدهی مقام های دولتی و عامه مردم در مورد نفس جرمی بچه بازی و مواردی که در قرض اطفال بحیث غلام گرفته می شوند، را ادامه دهید؛ و به صورت فعال مقام های دولتی به ویژه وزارت های داخله و دفاع را از قانون منع استخدام اطفال آگاه سازید؛ و این احکام را توأم با پیگرد های

پیگرد

حکومت تلاش هایش برای انفاذ قانون را افزایش داد. در جنوری ۲۰۱۷، دولت قانون مبارزه با جرایم قاچاق انسان و مهاجرین را وضع کرد که هر نوع قاچاق انسانی را ممنوع قرار می دهد. این قانون استفاده از تهدید یا جبر یا دیگر انواع اجبار یا نیرنگ به منظور بهره کشی را جرم می شمارد. این قانون مشتمل بر انواع بهره کشی است که فراتر از مواردی اند که در پروتوکول ۲۰۰۰ سازمان ملل (تی آی پی) گنجانیده شده اند، مثل تجربه های طبی و وادار ساختن یک فرد برای ارتکاب دیگر نوع فعالیت های غیرقانونی و مشتمل بر جنگ های مسلحانه و بچه بازی است، روشی که مردان از اطفال برای خوشگذرانی جنسی و اجتماعی بهره کشی می کنند - این کار برای بار نخست جرم پنداشته شده است. قانون حد اکثر مجازات هشت سال زندان را تجویز می کند؛ فکتورهای تشدید حد اکثر صدور حکم را به ۱۰ و ۱۵ سال افزایش می دهد و اگر بهره کشی برای جنگ های مسلحانه منجر به مرگ قربانی گردد، اعمال حکم اعدام می دهد. این نوع مجازات به حد کافی شدید بوده و در تناسب با سایر جرایم جدی اند. تا انفاذ قانون جدید در سال ۲۰۱۷، دولت از قانون مبارزه با اختطاف و قاچاق انسان، ماده ۵۱۶ قانون اجراء جزایی و قانون ۲۰۰۹ حذف خشونت علیه زنان، که جمعاً بیشتر انواع قاچاق انسان، اما نه تمام آنها را، ممنوع می کرد، برای پیگرد قاچاقبران انسان کار گرفت. این نوع مجازات به حد کافی شدید بوده و به تناسب سزای سایر جرایم جدی چون تجاوز جنسی، می باشد.

در زمان گزارشدهی، دولت ۱۰۳ مورد تحقیقات قاچاقبران متهم و ۶۳ مورد پیگرد را گزارش داد که در مقایسه با آن در زمان گزارشدهی قبلی، ۱۰۸ مورد تحقیقات قاچاقبران متهم و ۵۶ مورد پیگرد بود. دولت گزارش داد که در زمان این گزارشدهی، ۳۳ مورد محکومیت از سوی محاکم اصدار یافت و محکومیت ها از سه ماه گرفته تا ۱۰ سال حبس را اعمال داشت؛ ۳۰ مورد یک سال یا بیشتر از آن حبس را اعمال داشت. سه مورد حکم محکومیت، مجازات ناکافی سه ماه حبس را اصدار داشت. پاسخدهی انفاذ قانون دولت به صورت ویژه در رابطه با بردگی اجباری یا در اثر قرض، مبهم بود چونکه جزییات این نوع دوسیه ها و انواع آنها مشخص نگردیده بود. دری، زبانی که به صورت گسترده در افغانستان با آن صحبت می شود، به صورت تاریخی یک واژه را برای قاچاق و ترافیک انسان بکار می برد و این کار ابهام در این امر را بیشتر می سازد. مقام ها تلاش ورزیدند تا ضمن ارائه تعریف ها و اصطلاحات جداگانه به قاچاق و ترافیک، در قانون جدید به این معضل رسیدگی کنند؛ علی الرغم آن ناظرین بین المللی اظهار نگرانی ورزیدند که دولت پولیس و سارنوالان ولایتی را در مورد اصطلاحات و ترمینولوژی تازه، به صورت موثر آموزش نخواهد داد. وزارت داخله یک واحد مبارزه با قاچاق را داشت که در آن ۱۶ افسر مشغول کار بود و مزید بر آن دو افسر در هر ولایت بود؛ اما افسران به صورت خاص به ضد قاچاق توظیف نبودند و مقام ها می گفتند که دو افسر برای هر ولایت، کافی نبودند. لویه سارنوالی گزارش داد که در زمان این گزارشدهی، مقام های ریاست عمومی امنیت ملی را در امر مبارزه با قاچاق آموزش دادند. سازمان های بین المللی و موسسات غیرحکومتی بیشترین فرصت های آموزشی را به مقام های دولتی، فراهم نمودند.

دست داشتن مقام های در قاچاق یک معضل جدی و فراگیر باقی ماند. گزارش هیا وجود داشت که شماری از مقام های دولتی و امنیتی در بچه بازی دخیل بودند. در جولای ۲۰۱۶، رئیس جمهوری دستور تحقیقات در مورد سوءاستفاده جنسی از اطفال از سوی مقامهای پولیس را داد و خواستار پیگرد

مرتکبین گردید. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ۲۰۱۴ گزارش داد که اکثریت افرادی که در بچه بازی دست دارند، با ارائه رشوت یا با استفاده از واسطه با مقام های انفاذ قانون، سارنوالان یا قضات از پیگرد قانونی رهایی می یابند. در اکتوبر ۲۰۱۶، پنج سرباز اردوی ملی افغانستان به سواستفاده از یک بچه، به طور احتمالی بچه بازی، متهم شدند. هر پنج بازداشت شده و به یک محکمه اردوی ملی تحویل داده شدند جایی که یک از سربازان به استفاده غیرقانونی از سلاح کشنده محکوم شد و دو سال حبس برایش داده شد؛ سرباز دیگر به ضرب و جرح محکوم شده و یک سال حبس برایش داده شد. سه سرباز دیگر به دلیل نبود مدارک جرم بر علیه آنها، آزاد شدند. در فبروری ۲۰۱۷، یک قومندان پولیس ولسوالی و شش منسوب نیروهای امنیتی به اتهام اشتراک در یک گردهمایی بچه بازی بازداشت شدند؛ این فرمانده پولیس از سمت اش برکنار گردید.

ناظرین این را هم گزارش دادند که پولیس چهار قربانی این رویداد را هم بازداشت نمودند. در ۲۰۱۶، دولت اداره تحقیقات جنسیت و حقوق بشری در مورد سواستفاده از اطفال را در چوکات وزارت داخله تاسیس نمود تا زنان و اطفال را از سواستفاده از سوی مقام های انفاذ قانون و پولیس، محافظت کنند. سازمان ملل تایید نمود که در سال ۲۰۱۶ استفاده از اطفال در نقش های جنگی و غیرجنگی از سوی دولت ادامه داشت، به شمول پنج مورد استخدام از سوی پولیس ملی افغانستان، دو مورد از سوی پولیس محلی افغانستان و یک مورد از سوی اردوی ملی افغانستان. سازمان ملل همچنان تایید نمود که در سال ۲۰۱۶، یک مورد استخدام و استفاده از طفل از سوی قیام کنندگان مردمی در بغلان، که یک گروه تحت حمایت دولت است، وجود داشت. ناظرین گزارش دادند که شماری از مقام ها با گرفتن رشوه برای بچه ها اسناد هویت تهیه کردند تا عمر آنها را بیشتر از ۱۸ سال نشان دهند.

حمایت

دولت برای حمایت قربانیان به تلاش های ناکافی ادامه داد. دولت آمار همه جانبه تثبیت هویت و همکاری به قربانیان را جمع آوری ننمود؛ با آنهم، وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین ۲۳ قربانی را گزارش داد. مجزا از این، یک سازمان غیردولتی گزارش داد که ۹۳ قربانی را تثبیت هویت نمود و با آنها کمک کرد که در میان آنها ۵۵ پسر و ۳۸ دختر بود. دولت برای تثبیت هویت قربانیان و فرستادن آنها به خدمات حفاظتی طرز العمل های سیستماتیک را انکشاف نداد، اما سازمان های غیردولتی و بین المللی اذعان داشتند که دولت و چندین وزارت و پولیس قربانیان را به طور فعالانه به خدمات حفاظتی راجع ساختند. در ۲۰۱۶، افرادی که از سوی دولت راجع شده بودند ۹۶ در صد مستفید شدگان دو موسسه ای را که برای حمایت از قربانیان کار می کرد، تشکیل داد. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین گزارش داد که یک سیستم راجع ساختن قربانیان کار شاقه از سوی پولیس سرحدی را ایجاد کرد، اما مشخص نشد که آیا این سیستم در زمان این گزارشدهی انتشار و مورد استفاده قرار گرفت.

پولیس رهنمودهای رسمی و منابع برای فراهم آورد توجه ابتدایی) به شمول آب و غذا (را برای قربانیان در جریان تحقیقات، در اختیار نداشت. در شماری از موارد، افراد پولیس از پول شخصی شان برای حمایت از قربانیان کار گرفت. وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین با استفاده از منابع مالی و کارمندان یک سازمان بین المللی یک مرکز سرپناه موقتی که در ملکیت دولت بود را برای قربانیان قاچاق بازگشایی نمود. این مرکز چندین سال قبل مسدود گردیده بود. این وزارت

همچنان خدمات ثبت نام، راجع ساختن و خدمات اجتماعی را برای قربانیان قاچاق به شمول تسلیم گیری قربانیان عودت داده شده به افغانستان از کشورهای دیگر را فراهم نمود. سازمان های غیردولتی ۲۹ سرپناه حمایت از زنان را در ۲۱ ولایت مدیریت نمودند که خدمات حمایتی، حقوقی و اجتماعی را برای زنان قربانی خشونت و قربانیان قاچاق فراهم نمودند. وزارت امور زنان کارکرد تمام سرپناه های حفاظتی زنان را نظارت نمود تا اطمینان حاصل کند که این مراکز بر اساس قواعد و مقررات اجراء می کنند و کمیته های هماهنگی ملی و ولایتی را راه اندازی نمودند تا یافته های بازدیدهای شان را تشریح نموده و آزمون ها را به بحث بگیرند.

مراکز رهنمودهای خانوادگی خدمات غیراسکان حقوقی و اجتماعی را برای قربانیان جرایم در ۱۷ ولایت فراهم نمود و در ۱۴ ولایت برای قربانیان سرپناه تسهیل نمود. شبکه عمل حمایت از اطفال، یک نهاد مشترک سازمان های غیردولتی، جامعه مدنی و نهادهای دولتی که از سوی وزارت کار و امور اجتماعی نظارت می گردید، برای شماری از اطفال قربانی سرپناه فراهم نمود. سازمان های غیردولتی دو سرپناه را برای قربانیان کارهای شاقه و قاچاق سکس در کابل فراهم نمود، به شمول یک مرکزی که مشخصاً برای بچه های زیر سن ۱۸ سال تخصیص داده شده بود. در شماری از موارد، دولت اطفال قربانی را در یتیم خانه ها/پرورشگاه انتقال داد، در حالی که بر شماری از اطفال در آنجا قاچاق اعمال شده بود. برای قربانیان کلانسالان هیچ سرپناهی وجود نداشت.

با آن که بعضاً با قربانیان ذکور و اناث صرفاً به خاطر نداشتن محرم یا ارتکاب جرایم اخلاقی به شکل مجرم برخورد صورت گرفت، مقام های به بازداشت، زندانی نمودن یا مجازات قربانیان به دلیل فحشا یا زنا، بدون در نظر داشت این که آنها به فحشا مجبور ساخته شده بودند یا صرف به خاطر این که از شوهری که آنها را به فحشا مجبور می ساخت، فرار نموده بودند، ادامه دادند. بعضی اوقات مأمورین حکومتی، قربانیان را به خاطر داشتن اسناد جعلی هویت توقیف نمودند. ماده ۲۰ قانون سال ۲۰۱۷ مبارزه با جرایم ترافیک انسان و قاچاق مهاجرین معشر است که یک قربانی ترافیک نباید به خاطر جرایمی که در زمان معروض بودن به ترافیک مرتکب شده است یا به خاطر داشتن یا استفاده از اسناد جعلی سفر، مورد پیگرد قرار گیرد. مقام های در بعضی اوقات قربانیانی را که در سرپناه گنجایش آنها نمی بود، در محابس زنانه و مردانه نگهداری می نمودند. سازمان های غیرحکومتی گزارش دادند که اطفال قربانی ترافیک مراکز اصلاح و تربیت اطفال فرستاده می شدند، بعضاً برای چندین سال. بچه های قربانی ترافیک جنسی، به شمول آنها که معروض به بچه بازی شده بودند، در شماری از موارد با اتهامات جرمی به مراکز اصلاح و تربیت اطفال فرستاده شده بودند. دولت در خلع سلاح اطفالی که با نیروهای دولتی یا گروه های غیردولتی ربط داشتند اقدام نورزید، نه برای آنها خدمات حفاظتی فراهم نمود و نه آنها را برای همچو خدمات و حمایت ادغام مجدد راجع ساخت.

دولت قربانیان را برای اشتراک در تحقیقات تشویق ننمود؛ دولت برای قربانیان حمایت، امنیت و خدمات حمایتی فراهم ننمود تا از ضربه روحی اضافی آنها را مصون سازد. سازمان های غیرحکومتی گزارش دادند که در بعضی موارد اطفال قربانی ترافیک/قاچاق مجبور ساخته شدند تا در حضورداشت قاچاقبران متهم گواهی دهند. قانون افغانستان اجازه می دهد که قربانیان خارجی موقتاً و حداقل برای شش ماه در افغانستان بمانند. در سال ۲۰۱۶ هیچ معلوماتی وجود نداشت که دولت قربانیان خارجی ترافیک را مجبور به خروج از افغانستان کرده باشد.

جلوگیری

دولت تلاش هایش برای جلوگیری از قاچاق را بیشتر ساخت. دولت از طریق کمیسیون عالی که در جریان گزارشدهی سه بار اجلاس داشت و ۹ مجلس گروه کار جداگانه منعقد ساخته بود، فعالیت های مبارزه با قاچاق را هماهنگی بخشید. کمیسیون های مبارزه با قاچاق در ۳۳ ولایت فعالیت های شان را برای تطبیق پالیسی که از سوی کمیسیون عالی تهیه شده بود، هماهنگی بخشیدند. کمیسیون عالی از دولت برای مصارف برنامه ها و عملیات اش پول دریافت نکرد؛ جامعه جهانی تمام فعالیت های این نهاد را تمویل نمود. دولت در تطبیق پلان ملی عمل ۲۰۱۵-۲۰۱۷ برای مبارزه با قاچاق انسان اجراءات نمود. کمیسیون عالی یک پلان عمل را برای آگاهی عامه در مورد ترافیک انسان تهیه نمود و در ۱۰ ولایت ۲۲ برنامه آموزشی راه اندازی نمود. دولت از طریق رادیو، تلویزیون و نشرات چاپی در باره ترافیک انسان نشرات و معلومات پخش نمود و ملاحا را تشویق نمود تا از طریق موعظه های هفته وار شان آگاهی مردم را بیشتر سازند. کمیسیون مستقل حقوق بشر ۶۰ برنامه آموزشی در باره جلوگیری و مبارزه از قاچاق انسان را برای مقام های وزارت دفاع ملی، اساتید پوهنتون، ملاحا و فعالین جامعه مدنی راه اندازی نمود؛ این برنامه ها به ۲۰۹۱ فرد ارائه شد.

در زمان گزارشدهی، دولت به منظور جلوگیری از استخدام اطفال در صفوف نیروهای امنیتی، ۱۵ واحد حمایت از اطفال را گشود. به گزارش یک سازمان جهانی، این واحدها جلو استخدام ۳۱۵ بچه و ۳ دختر را از جنوری تا نوامبر ۲۰۱۶ گرفت. هکذا، وزارت داخله گزارش داد که در سال ۲۰۱۶ جلو استخدام ۶۳ طفل در پولیس ملی گرفته شد. دولت برنامه های به تاخیر افتیده اش برای توزیع تذکره های الکترونیکی را به طور دوامدار انکشاف داد. در زمان گزارشدهی، دولت در مشارکت با سازمان ملل یک راهکار و مسوده پلان ملی عمل را برای ادغام مجدد افغان های عودت کننده و افراد بیجا شده داخلی را نهایی نمود؛ اما توانایی دولت برای مساعدت برای افراد آسیب پذیر، به شمول بیشتر از یک میلیون عودت کننده اسناددار و غیراسناددار در سال ۲۰۱۶، محدود باقی ماند و دولت به کمک های جامعه جهانی وابسته باقی ماند. دولت اقدامات را برای کاهش تقاضا برای سکس تجارتي و کار اجباری انجام نداد. دولت برای کارمندان دیپلوماتیک اش آموزش های مبارزه با قاچاق انسان فراهم نمود.

پروفایل یا نمایه ترافیک

همانگونه که در پنجسال گذشته گزارش شده است، افغانستان کشوری است که هم منبع قاچاق مردان، زنان، و اطفال معروض به کار اجباری و تن فروشی بوده و هم مسیر و مقصد این گونه قاچاق می باشد. قاچاق داخلی، نسبت به قاچاق فراسرحدی در آن بیشتر رایج است. مردان، زنان و اطفال در بردگی قرض بهره کشی می شوند، طوری که قرض ابتدایی یک کارگر تحت شرایط کاردهی مورد سؤاستفاده قرار می گیرد، بلاخره منجر به دام انداختن دیگر اعضای خانواده گردیده و بعضاً برای چندین نسل ادامه پیدا می کند. بسیاری از قربانیان قاچاق در افغانستان، کودکانی اند که سرحد شان به قالیبنافی، خشمالی، بردگی خانگی، استثمار جنسی، گدایی گری، زرع کوکنار، قاچاق فراسرحدی مواد مخدر، و یا هم کلینری موترهای لاری در داخل افغانستان، شرق میانه، اروپا، و آسیای جنوبی می کشد. بعضی خانواده های افغان، دانسته اطفال شان را برای قاچاق جنسی میدهند، به شمول بچه بازی که در آن مردان، منجمله بعضی مقامات دولتی و نیرو های امنیتی، پسران خوردسال را برای خوشگذرانی اجتماعی و جنسی خویش به کار میبرند. گزارش هایی وجود دارند که بعضی از مقامات امنیتی، سارنوالان، و قاضیان از مرتکبین فعل بچه بازی رشوه میگیرند یا بر اساس شناخت و قرابت، آنها را از سزا دیدن، نجات میدهند.

خانواده‌هایی که کوکنار کشت میکنند، بعضی اوقات برای ادای قرضی که از قاچاقبران تریاک گرفته اند، اطفال خود را میفروشند. اقلیت هزاره قربانیان کارهای شاقه و اجباری بودند. افغان‌های عودت‌کننده از ایران و پاکستان و افراد بیجا شده داخلی معروض به کارهای شاقه و بیگاری بودند. مردان، زنان، و اطفال در افغانستان اکثراً به یا دلالان پول میپردازند تا آنها را در یافتن کار کمک کنند، به خصوص در ایران، پاکستان، هند، اروپا، و یا امریکای شمالی؛ بعضی از این دلالان، افغانها را به کار اجباری و یا تن‌فروشی وادار می‌سازند. زنان و دختران افغان معروض به قاچاق جنسی و بردگی خانگی، به ویژه در پاکستان، ایران، و هند اند. اکثریت قربانیان افغان در پاکستان، زنها و دخترانی‌اند که به منظور استثمار جنسی، منجمله از طریق ازدواج‌های اجباری، قربانی قاچاق میشوند. پسران و مردان افغان معروض به کار اجباری و در بدل قرضه‌ها، برای کار در بخش‌های زراعت و ساختمانی، به خصوص در ایران، پاکستان، یونان، ترکیه، و کشور های خلیج به اسارت کشانیده میشوند. پسران که به ویژه بطور تنها سفر می‌کنند بیشتر در معرض آسیب ترافیک قرار می‌داشته باشند. بعضی پسران افغان پس از پرداخت پول گزافی که در بدل رسیدن به یونان از راه قاچاق میپردازند، در آنجا هدف قاچاق جنسی قرار میگیرند. گزارش‌های وجود دارد که دولت ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن، مردان مهاجر و پناهندگان راجستر شده افغان، به شمول اطفال تا ۱۲ ساله، را با تهدید این که آنها را توقیف و دوباره به افغانستان خواهند فرستاد، وادار می‌ساختند تا در چارچوب ملیشه‌های تحت فرماندهی و سازماندهی سپاه پاسداران در سوریه بجنگند.

دولت و گروه‌های غیردولتی مسلح در افغانستان، اکثراً طالبان و دیگر گروه‌های چون ایالت خراسان گروه دولت اسلامی، اطفال را برای کارهای جنگی و غیرجنگی استخدام و مورد بهره‌کشی قرار می‌دهند. گروه‌های شورشی اطفال را به اجبار استخدام نموده و از آنها به حیث حمله‌کنندگان انتحاری کار می‌گرفت. طالبان اطفال را از طریق آموزش‌های نظامی و مذهبی شستشوی مغزی نموده و به آنها یاد می‌داد که چگونه از سلاح‌های سبک و مواد تعبیه شده انفجاری کار بگیرند. شماری از خانواده‌ها در مقابل فرستادن اطفال شان به مکاتبی که طالبان آنها را مدیریت می‌نمود، پول یا حمایت دریافت می‌نمودند. اطفال فقیر و از ساحات روستایی به ویژه مناطق تحت کنترل طالبان، به صورت خاص در معرض خطر این گون استخدامگیری قرار داشتند. پولیس محلی و پولیس ملی افغانستان هم از اطفال به مقاصد جنگی و غیرجنگی به شمول نوکر، افراد حمایتی و محافظین شخصی کار می‌گرفت. اردوی ملی افغانستان هم، البته به اندازه اندک، اطفال را استخدام می‌نمود. گزارش‌هایی وجود داشت که شماری از اعضای نیروهای امنیتی افغانستان به شمول منسوبین اردوی ملی و دیگر افراد که وابسته به دولت نبودند، بچه‌ها و دخترها را مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌دادند. گزارش‌هایی هم داده شد که زنان و دختران از فلپین، پاکستان، ایران، تاجکستان، سریلانکا، و چین در افغانستان هدف قاچاق جنسی قرار می‌گرفتند. بعضی از استخدام‌کنندگان نهادها، با تظاهر و یا بهانه قرار دادن فرصت‌های کاری با درآمد بلند، کارمندان خارجی را، از کشور های مثل سریلانکا، نیپال، هند، ایران، پاکستان، و تاجکستان، برای آمدن به افغانستان اغوا میکردند؛ استخدام‌کنندگان سپس این مهاجرین را، با رسیدن شان به افغانستان، به کار اجباری می‌گماشتند.